

سه شنبه 21 تیر 11 شعبان 12 ژوئیه

درگذشت «حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی» در سال 525 هجری قمری ...



درگذشت «حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی» در سال 525 هجری قمری « حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی «عارف و شاعر گرانقدر قرن 6 هجری و از استادان مسلم شعر فارسی در سال 525 هجری قمری در غزنین وفات یافت. او دوران جوانی را در شهرهای بلخ، سرخس، هرات و نیشابور گذراند و سپس به سفر حج رفت و از آن پس با تغییرات روحی و فکری که در او پدید آمد مرد حق و حقیقت و پیر طریقت شد. حاصل این سفر قصیده‌ای در اشتیاق کعبه بود. وی بعد از بازگشت از سفر حج مدتی را نیز نزد بزرگان علم و ادب در شهرهای مرو، نیشابور و بلخ سپری کرد. حاصل باارزش این سفرها قصاید و اشعاری است که در خراسان سروده شده‌اند. همچنین کارنامه بلخ را سنایی در بلخ به رشته تحریر درآورده است. سنایی غزنوی بعد از مراجعت به غزنین گوشه‌نشینی اختیار کرد و به نظم مثنوی مشهور خود «حَدِيقَةُ الْحَقِيقَةِ يَا اَلِهِي نَامَه» پرداخت. به جز این دیوان چند مثنوی دیگر نیز از سنایی به جای مانده که «سیرُ العبادِ اِلَى المَعَاد» بروزن حدیقه الحقیقه و به سبک خراسانی از آن جمله است. همچنین «طریقُ التحقیقِ مشتمل بر 500 بیت» که به مطایبه نامه نیز مشهور است از دیگر آثار ارزشمند سنایی می‌باشد. این شاعر ایرانی در شهر غزنین مدفون است.

درگذشت علامه ملا اسماعیل مازندرانی در سال 1173 هجری قمری
علامه ملا اسماعیل مازندرانی مشهور به خواجه‌ئی یکی از عالمان بزرگ شیعه در سال 1173 هجری قمری بدرود حیات گفت و در تخت پولاد اصفهان به خاک سپرده شد. علامه خواجه‌ئی عالمی جامع و حکیمی متکلم و در هنر خوشنویسی همچون استاد پیچیده دست بود و بسیار زیبا می‌نوشت. وی را آخرین دانشمند قرن 11 هجری در دارالعلم اصفهان ذکر کرده‌اند زیرا پس از هجوم افغانه علمای بزرگ ایران مانند علامه مازندرانی و صدرالدین قمی به عراق رفتند و در آن کشور مسکن گزیدند. علامه خواجه‌ئی نزدیک به 150 جلد کتاب به رشته تحریر درآورده است. کتابهای «ایطالُ الزمان الموهوم، الامامة و فوائد رجالیة» از آن جمله‌اند.

درگذشت آقاجنقی اصفهانی از علمای برجسته امامیه در اصفهان در سال 1331 هجری قمری
آقاجنقی اصفهانی از علمای برجسته امامیه در سال 1331 هجری قمری در اصفهان درگذشت. ایشان در دوران مرجعیت خود در کمک به مردم و رفع ستم از آنان هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. همچنین نسبت به دستگاه حکومتی ناصرالدین شاه بی‌اعتنا بود و با ظل السلطان فرزند شاه و حاکم اصفهان که ظلم بسیار در حق مردم این شهر روا می‌داشت، علنی و آشکارا مخالفت می‌کرد. آقا نجفی در میان مردم اصفهان نفوذ و قدرت بسیار داشت و عامه مردم برای وی احترام قائل بودند، از این رو ظل السلطان از این امر بیمناک شد چون ایشان را مانعی برای منافع و ستمگریهای خود می‌دید. با تحریک شاه وی را به تهران منتقل کردند. این عالم فرزانه در تهران علاوه بر دایر نمودن حوزه درسی به مبارزه سیاسی و آگاه کردن مردم از فساد دربار شاهی و مداخلات بیگانگان در امور کشور پرداخت. همین امر موجب بازگرداندن وی به اصفهان شد. آقا نجفی اصفهانی در جنبش تنباکو نیز از آغازگران مبارزه بود و به تهدیدهای ظل السلطان و شاه اعتنایی نداشت. او در عین حال از فعالیت‌های علمی نیز غافل نبود و علاوه بر تدریس و تربیت فضلا، کتب بسیاری نیز تألیف کرد که «اسرارالآیات، بحرالحقایق، جامع الانوار و انیس الزائرین» از آن جمله‌اند.

درگذشت ابن دارست ملقب به امین الدوله و مجد الوزرا در سال 467 هجری قمری
ابن دارست ملقب به امین الدوله و مجد الوزرا، از وزیران القائم خلیفه عباسی در سال 467 هجری قمری درگذشت. وی از خاندان دارستیان از بزرگان شیراز بود و در ابتدا و قبل از وزارت، خزانه دار ابوالیحیاء مرزبان بن سلطان الدوله دیلمی بود. صفات پسندیده و کمالات اخلاقی ابن دارست باعث شد که در سال 453 هجری قمری خلیفه وی را به منصب وزارت برگزیند. ابن دارست در راه سامان دادن وضع آشفته امور بویژه وضعیت امور دیوانی کوششهای بسیار کرد اما همواره خطرناک بودی خود را بدست خلیفه عباسی احساس می‌کرد از این رو در سال 454 هجری قمری از مقامهای خود استعفا کرد.

فاجعه خونین مسجد گوهر شاد در 1314 هجری شمسی
اسلام زدایی در کشورهای اسلامی، بویژه در منطقه خاورمیانه مهمترین استراتژی استعمار بود. این استراتژی شیطانی با به قدرت

رسیدن رضاخان به طور پیچیده و زمانبندی شده ای در ایران به مرحله اجرا درآمد. اما به سبب برخورد قاطع مردم به رهبری روحانیت از جمله موضع گیری تند و کفرستیزانه آیت الله بافقی، مدت 8 سال طرح حجاب زدایی از زنان مسلمان ایران به تعویق افتاد. در این هشت سال از سال 1305 الی 1314 شمسی، روحانیت در معرض شدیدترین حملات روانی و یورشهای تبلیغاتی قرار گرفت. طرح موزیانه استفاده از عمامه مستلزم داشتن تصدیق دولتی است خود بخشی از این حملات بود.

نظام رضاخان بر این باور بود که با جنگ عظیم روانی که بر پا کرده، روحانیت پویا و متعهد، به موضع ضعف کشانده شده و قادر به مقاومت در برابر طرحهای سلطه طلبانه استعمار نخواهد بود، این بود که همزمان با اجباری شدن کلاه بین المللی و شاپو برای مردان زمزمه های حجاب زدایی زنان بلند شد. نطقها جهت آماده سازی ذهنها و جشنها و میتینگهای سازمان یافته ای تشکیل شد تا زمینه پذیرش یکی از خطرناکترین و اسارت بارترین طرحهای سلطه جویانه استعماری فراهم آید.

همزمان با این دسیسه چینی استعمار و استبداد، روحانیت آگاه و بیدار به طور مخفی جلساتی را برگزار کردند. در یکی از جلسات پیشنهاد شد که آیت الله حاج آقا حسین قمی به تهران برود و به طور مستقیم با رضاشاه مذاکره کند.

حاج آقا حسین قمی با این پیشنهاد موافقت نمود و قبل از رفتن به روحانیون مشهد گفت من می روم با شاه صحبت کنم شاید او را از تصمیمش منصرف کنم، شما نیز باید مردم را آگاه و هوشیار نمایید تا درک کنند چه توطئه عظیمی در کار است.

حاج آقا حسین قمی پس از رسیدن به تهران به باغ سراج الملك شهر ری برده شد و ممنوع الملاقات گردید. از سوی دیگر مسجد گوهرشاد که چند روزی بود محل اجتماع و سخنرانی علیه لباس بیگانه و اسلام زدایی شده بود، با بازداشت آیت الله قمی حال و هوای دیگری یافت، اجتماعات وسیعتر و اعتراضات گسترده تر و سخنرانان کلامشان آتشین تر و شعار مردم تندتر گردید.

همزمان با این وقایع از مذکر به شهربانی مشهد دستور داده شد که واعظ معروف را سریع دستگیر کنند در اجرای این دستور شیخ غلامرضا طبسی، شیخ شمس نیشابوری، دو تن از واعظ خراسان دستگیر شدند اما گردهمایی مردم برای شنیدن سخنان روحانیت در مسجد گوهرشاد ادامه یافت. قرار بر این شد که علما و مجتهدین مشهد طی یک تلگراف رضاخان را از اقدامات ضد دینی منصرف سازند، همچنین علما به منبر رفته و مردم را از عمق فاجعه ای که در حال شکل گیری است آگاه سازند.

صبح روز جمعه 10 ربیع الثانی 1345 ه. ق برابر با 20 تیر 1314 شمسی قزاقان مستقر در مشهد برای متفرق ساختن مردم وارد عمل شدند. قزاقان رضاخان بی محابا به روی مردم آتش گشودند و حدود یکصد نفر را کشته و یا زخمی کردند اما مردم متفرق نشده و مقاومت کردند.

پس از این هجوم مردم با داس - بیل و چوب... به طرف مسجد سرازیر شدند، مسجد گوهرشاد لبریز از جمعیت گردید و روحانیون نیز به سخنرانی پرداختند.

روز شنبه 11 ربیع الثانی 1354 ه. ق برابر با 21 تیرماه 1314 مسجد پر از جمعیت بود. شعارهای ضد سلطنت و ضد حجاب زدایی داده می شد. مسجد یکپارچه سرود مقاومت سر داده بود.

سرانجام رضاخان دستور داد مسجدیان را تارو مار و همه را دستگیر و مجازات نمایند.

سران قشون، سران شهربانی و آگاهی، نیروهای خویش را هماهنگ کردند و قرار گذاشتند پس از نیمه شب تهاجم خود را آغاز کنند. قزاقان قبلاً در نقاط حساس و اطراف مسجد گوهرشاد مستقر شدند و مسلسلهای سنگین را بر بامهای مشرف به حیات مسجد جایی دادند.

توپهای سنگینی در خیابان تهران روبروی مسجد گوهرشاد استقرار یافت پاسی از نیمه های شب 21 تیر ماه گذشته بود که صدای غرش مسلسلها در شهر پیچید و قشون شرق به فرماندهی سرلشکر ایرج مطبوعی برای به خاک و خون کشیدن مردم به حرکت درآمد. عده ای از مأموران مخفی رژیم قبلاً وارد مسجد شده که از داخل وارد عمل شوند و راه برای ورود نیروهای حکومت به داخل مسجد هموار سازند.

در سپیده دم قزاقان با کشتن بیش از دوهزار تن و اسیر کردن هزار و پانصد نفر توانستند مقاومت مسجد را درهم بشکنند و دل استعمارگران بین المللی را شاد و مسرور سازند.

کامیونهای بسیاری اجساد مبارزین را جابجا کردند. به گفته شاهدان عینی، مأموران دولتی، شهدا را همراه زخمیها در خندقهایی که در

محلہ خشمالہا و باغ خونى مشهد پيش بينى شده بود دفن کردند.

از صبح روز یکشنبه 22 تیر 1314 بازداشت روحانیون آغاز شد و روحانیونی که در نهضت خونین گورشاد شرکت داشتند یا بازداشت شدند و یا اگر توانستند مخفی شدند تا در موقعیت مناسب ایران را به سوی نجف ترک کنند.